

آنوقت شروع بصحبت میشود و تا ساعت هفت و هشت از شب بصحبت میگذرد و يك مدرک کتبی هم در دست وزراء نخواهد بود و میافند بکلیات و همینطور که فرمودند مسئله بکمیسیون ژاندارمری راجع میشود و آن هم البته مطلبی است که مهمتر از نظمی است بنده و آقای سردار معظم هر دو در آن کمیسیون بوده ایم میدانیم در آنجا چه مشکلاتی هست آنوقت میافتم در آن کلیات والا هم فالاهم پس بنده عقیده ام این است اگر آقایان موافق باشند يك چیزی از طرف هیئت رئیسه در موضوع مسووسنداهل بر رئیس الوزراء نوشته شود و بعد اگر میل داشته باشد در آتی يك کمیسیونی بشود زیرا این مطالب بایک ملاقات تمام نخواهد شد مسئله ژاندارمری و خیلی چیزهای دیگر هست که باید در وقت دیگر يك کمیسیونی معین کنیم و يك ترتیبات دیگری بدهیم که هر دو کار از پیش برود والا امشب تصور میکنم شاید بآن مقصود نرسیم

نایب رئیس - آقای سردار معظم پیشنهادی کرده اند بعد از اظهارات آقای معذل الدوله اگر عده کافی باشد رای میگیریم.

معذل الدوله - بنده عرض این بود جامع بیانات و مذاکراتی که شد این است که اگر کمیسیونی را که برای مطالعه بودجه معین شده است مجلس همان کمیسیون را مأمور اینکار بکند و يك چیزی از طرف هیئت رئیسه بنویسند گمان میکنم بهتر باشد.

نایب رئیس - پیشنهاد آقای سردار معظم خوانده میشود.

سردار معظم - چون عده برای اخذ رای کافی نیست پیشنهاد خود را پس میگیرم اجازه بفرمائید عرض کنم.

نایب رئیس - نوبت خود جناب عالی هم هست بفرمائید.

سردار معظم - راست است بنظر اول که نگاه کنیم باید در امور معتقد بيك در جاتی شد و اگر فعلا کاغذی نوشته شود و تأکید شود با مذاکرات و اظهاراتی که امروز در مجلس شده است کافی خواهد بود ولی رقتیکه خواسته باشیم عملی بشویم متأسفانه خواهیم دید که حقیقت در غیر از این است زیرا اگر امشب چیزی نوشته شود معلوم نیست نتیجه که برای ما حاصل میشود چیست چون روز ۵ شنبه عید است و مجلس نیست و از روز شنبه تا یکشنبه هم يكروز بیشتر نیست هیچکس هم تأمین نمیکند که در ضمن آن مجاری اداری که باید این کاغذ طی کند تا روز دوشنبه رئیس الوزراء خواهد رسید و نتیجه خواهد داد بلی اگر ممکن بود این کاغذ را مستقیماً برسانند آنوقت ممکن بود بکاغذ اکتفا کرد ولی بنده میترسم این کاغذ چند روز دیرتر بر رئیس الوزراء برسد باین ملاحظه عرض میکنم هیچ بهتر از این نیست که برای این کار هیئتی انتخاب شود و مقصود بنده هم از فرستادن این نیست این است که آن اداره و تصمیم ورای مجلس را اساناً بر رئیس الوزراء عرض کنند و برای این کار هم لازم نیست رای بگیرند و ممکن است دونفر نایب رئیس از طرف مجلس حضور آقای رئیس الوزراء بروند و تصمیم مجلس را عرض کنند و توجه آقای رئیس الوزراء را بمسئله نظمی معطوف کنند و چون وقت هم برای

این کار کم است بهتر این است که این دو مسئله را بهمدیگر مخلوط بکنیم و فعلاً تصفیه ژاندارمری کاری نداشته باشیم البته در مسئله ژاندارمری هم مجلس وظیفه دار خواهد بود که زیاد تر از این داخل در يك مساعدت و همراهی عملی شود ولی برای اینکه هر دو مسئله مخلوط و داخل هم نشود و بواسطه کمی وقت هر دو از دستمان نرود بنده معتقد هستم که فعلاً بمسئله نظمی اکتفا کنیم و بالاخره مسئله خواستن چهل هزار تومان هم يك چیز بزرگ مشکلی نیست که دولت نتواند موافق شود بلی در آن موقعی که در تعیین محل از برای نظمی مخالفت میکردیم مخالفت ما راجع بقانون بود والا خود آقایان در نظرشان نیست که ما خودمان باعث شدیم وزیر مالیة تشریف آوردند و در مجلس علنی تقبل فرمودند که عایدات و مالیات مستقلات را عملاً از برای نظمی اختصاص بدهند پس همانطوریکه آقای وزیر مالیة تقبل کرده اند هیچ چیز مانع از این نیست که دولت عایدات مالیات مستقلات را برای نظمی تخصیص بدهد و بالاخره قوای تأمینة ما را حفظ کند محتاج بعرض بنده نیست که مسووسنداهل بودن و نبودنش چه قدر اهمیت دارد البته همه مردم مسبوق هستند ولابد در این دوسال يك مدت کمی است اوضاع اسف انگیز نظمی را که سابق در تهران داشتیم و هنوز نمونه آنرا در ولایات داریم فراموش نکرده اند و اگر فعلاً ما بخواهیم استفاده بکنیم لازم است همین امشب یا فردا از طرف هیئت رئیسه دونفر نایب رئیس خدمت آقای رئیس الوزراء بروند صحبت کنند و باینکار خانه بدهند.

نایب رئیس - اگر باین پیشنهاد ثانوی آقای سردار معظم که رفتن دونفر نایب رئیس خدمت رئیس الوزراء است مخالفی نیست رای میگیریم (گفته شد لازم برای نیست).

نایب رئیس - بسیار خوب حالا که مخالفی نیست همینطور رفتار میکنیم.

اعزاز السلطنه - بنده کراراً خاطر غالب آقایان نمایندگان محترم را از اوضاع ناگوار کردستان و نبودن هشت ماه حکومت در آنجا مستحضر نموده که بواسطه نداشتن حکومت بکلی آسایش از مردم سلب شده است و بالاخره بواسطه تأخیر و تعیین حکومت جزئی علاقه بنده هم در جزء علاقه جات بنا بر این بکلی مستأصل شده باینجهت چنانچه مجلس مقدس تصویب کرده ناگزیر از مسافرت هستم از طرف دیگر چون کمیسیون قوانین مالیة مهم است و بنده در آنجا عضویت دارم بر خود روا می دارم در غیبت بنده بکنفر از اعضاء آن ناقص باشد لذا از عضویت کمیسیون قوانین مالیة استعفاء می دهم و مستعفی هستم انتخاب بکنفر را بجای بنده جزدستور جلسه آتی تعیین فرمایند.

نایب رئیس - اگر مخالفی نیست جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده روز شنبه بیستم ذلحجه سه ساعت قبل از غروب و دستور آن بقیه قانون قشون گیری و انتخاب بکنفر بعضویت کمیسیون قوانین مالیة خواهد بود پیشنهادی هم آقای حاج عزالمالک کرده اند اگر آقایان اجازه بدهند خوانده شود (بمضمون ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم از طرف مجلس بوزارت مالیة ابلاغ شود که بخزانة داری کل اخطار نمایند

کلیه حوالات و درخواستهایی که تاکنون صادر و پرداخته نشده پس از تصویب کمیسیون تطبیق حوالات بپردازند و بدون تصویب کمیسیون تطبیق ولو اینکه راجع به خارج ایام گذشته باشد در صورتی که حوالات بتصویب کمیسیون سه نفری سابق نرسیده است وجهی داده نشود.

حاج عزالمملك - نظر آقایان نمایندگان از وضع قانون تشکیلات و تعیین يك کمیسیون بنام کمیسیون تطبیق حوالات مسبوق است و لازم نیست در این موقع بنده شرح بدهم و البته مطابق آن قانون بایستی کلیه حوالات بتصویب آن کمیسیون برسد و در خزانه داری موقع خرج پیدا کند و این پیشنهاد بنده يك نقطه نظری را میسراند و آن نقطه نظر راجع بایام فترت است اگر چه سابق يك پیشنهادی شد که کمیسیون سه نفری باقی باشد تا کمیسیون تطبیق حوالات تعیین شود ولی متأسفانه کمیسیون سه نفری تشکیل نشده و همینطور گذشت و آنچه بنده اطلاع دارم يك مبلغی در خواست و حوالات نسبت به خارج این ایام و مخارج گذشته صادر شده و اگر این حوالات و در خواست ها بنظر کمیسیون تطبیق حوالات برسد بعقیده بنده ممکن است يك ضرر هائی متوجه دولت شود باین معنی ممکن است از این مسئله استفاده کرده و بگویند چون این مخارج راجع بایام گذشته است و در موقعی بود که کمیسیون تطبیق حوالات وجود نداشته است در خزانه داری پرداخته شده است باین دلیل از آقایان تقاضا میکنم که اگر با این پیشنهاد موافقت داشته باشند رای بدهند که کلیه حوالات که تا بحال موقع خرج پیدا نکرده و سابقاً هم بتصویب کمیسیون سه نفری نرسیده حالیه در کمیسیون تطبیق حوالات مطرح شود و پس از تصویب این کمیسیون پرداخته شود.

نایب رئیس - چون عده برای رای کافی نیست اگر آقایان موافق باشند بگذاریم برای جلسه بعد.

(مجلس یکساعت و ربع از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۷

صورت مشروح مجلس روز شنبه بیستم شهر ذی حجه ۱۳۴۴

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن المملك تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه شانزدهم قرائت شد

غائبین با اجازه - مدحت السلطنه - ملك الشعرا - حاج شیخ محمد حسین یزدی - ناصر الاسلام - بدون اجازه - آقای سید اسدالله چهارسوقی - حاج سید اسدالله قزوینی - میرزا هاشم خان - صدر المملك - نجفقلی میرزا - حسینقلی نواب - محمد هاشم میرزا - مریم آقا شیخ رضا دهخوارقانی شریعتمدار.

رئیس - آقای حاج شیخ محمد حسن راجع بصورت مجلس اظهاری دارند.

حاج شیخ محمد حسن - تته است راجع بصورت مجلس اگر اجازه بفرمائید عرض کنم.

رئیس - در صورت مجلس ایرادی هست یا نیست - (ایرادی نشد) ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد.

حاج شیخ محمد حسن - در جلسه روز سه شنبه در مذاکرات قانون نظام راجع بیکای از شرایط ماده پنجم حقیر در تعلق خود اظهاراتی کردم و دلایلی برای ابقای ماده مصوبه کمیسیون اقامه کردم از قرار معلوم بواسطه انتخاب مثلی که آورده عقیده داعی را بطور دیگر تبیین کرده اند و از این سوء تفاهم کمال افسوس را دارم .

رئیس - بلی معلوم میشود در جلسه گذشته بواسطه همین سوء تفاهم مثلی که فرمودند سوء تفاهمی حاصل شده است و عقیده ایشان آنطوریکه جلوه داده شده بود بنده باین ترتیبی که اخطار فرمودند معلوم میشود قصدی نداشته اند لهذا این مسئله را ختم شده فرض میکنیم (جمعی تصدیق کردند) دستور امروز شور دوم در قانون سرباز گیریست از ماده نهم و ماده مزبور بقرار ذیل قرائت شد .

ماده نهم - تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه از اشخاص یادار مراعات شرایط ماده ه بوسیله پیشنهاد و معرفی اهالی سرباز دهنده و انتخاب هیئتی از مأمورین وزارت جنگ و اشخاص که بتوسط دولت از محل تعیین شده باشد بعمل آمده در صورتیکه عده اشخاص معرفی شده که دارای شرایط لازمه باشند اضافه بر مأخذ بنیچه محل گردد عده لازمه با قرعه معین میشود هر گاه عده کافی موافق شرایط سربازی در آن بنیچه نباشد مالکین میتوانند ضمانت نموده از اشخاص دیگر همان محل این نقصان را تکمیل کنند .

مدرس - اولاً يك توضیحی میخواهم و آن این است که آن کسیکه پیشنهاد میکنند اگر دارای شرایط باشد آیا مأمورین مجبورند او را اختیار کنند یا اینکه مختار هستند در اینکه او را اختیار بکنند یا نکنند .

معاون وزارت جنگ - وقتیکه مالک یا رعیت کسی را به کمیسیون سرباز گیری پیشنهاد میکنند کمیسیون سرباز گیری باید بعد از متوجه شدن باین قانون متوجه نظامنامه سرباز گیری هم باشد چون در آن نظامنامه بعضی شرایط دیگری هم برای سرباز هست که باید آنها هم ملاحظه شود .

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - در خصوص ترتیب یادار بنده يك پیشنهادی کرده بودم که باید یادار را مثلی کنند .

مخبر - بلی يك پیشنهادی آقا فرموده اند که یادار باید مثلی شود و در این جا نوشته شود که یکصد و پنجاه تومان دارائی داشته باشد این مسئله در کمیسیون مطرح مذاکره شد و بعد از مذاکرات کاملی که با حضور نماینده وزارت جنگ بعمل آمده گفته شد برای سرباز گیری يك شرط مشکلی است این را ممکن است سرباز ملک یا خانه نداشته باشد ولی پولی داشته باشد و یا بالعکس با این ترتیب وزارت جنگ یکصد و پنجاه تومان ملک یا خانه داشتن را لازم نمیداند .

رئیس - این مواردیکه در اینجا قابل توجه میشود و بکمیسیون میروید باید در راپورت کمیسیون متذکر شوند که آن مواد را قبول کرده اند یا خیر چون هیچ معلوم نمی شود پنج شش فقره موادی که

سابقاً بکمیسیون رفته بود کدامش قبول شده است و کدامش قبول نشده است .

مخبر - بعد از این مراعات این مطلب میشود و نوشته خواهد شد .

آقای سید فاضل - در شور اول در باب اینکه تعیین افراد بنیچه یا صاحبان بنیچه باشد بعضی مذاکرات شد و با اینکه نماینده وزارت جنگ میگویند ترتیب آن عده را که صاحبان بنیچه باید بدینند طوری خواهد بود که هیئت قشون گیری در قبول و عدم آن مختار میباشد ابتدا آن مفاسد و مضراتی که در باب قشون گیری در محل بود مرتفع نخواهد شد و باز صاحبان بنیچه گرفتار آن تضییقات سابقه خواهند بود لهذا بنده باز پیشنهاد میکنم که تعیین قشون مانند مالیات نقدی بعهده صاحبان بنیچه باشند چون فرق نمیکند مالیات بر دو قسمت است یکی مالیات نقدیست و يك قسم افراد قشونی که صاحبان بنیچه میدهند پس هم چنانکه در پرداخت مالیات نقدی اختیار تادیه بامؤدیست در این جا هم اختیار تعیین افراد قشونی باید با صاحبان بنیچه باشد بلی نهایت چیزیکه میتوانستند اظهار کنند این است که قشون باید دارای شرایط باشد ولی بعد از آنکه يك عده شرایط اساسی آنرا یا در ماده پنجم تصویب کردیم اگر بعضی شرایط غیر لازمه یا شرایط نظامنامه که داخل در مزایاست باشد گمان میکنم بواسطه آنها تعیین صاحبان بنیچه ساقط شود و در صورتیکه هیئت قشون دیگری مجبور بقبول پیشنهاد صاحبان بنیچه باشد ابتدا آن تضییقات و اشکالات سابقه که مردم بواسطه آنها در فشار بودند مرتفع نخواهد شد و در این باب پیشنهادی هم کرده ایم و تقدیم میکنم

مخبر - در این موضوع چندین پیشنهاد تقریباً مغالطه با دید بیک کمیسیون آمد بعضی عقیده شان این بود که بدون سؤال و جواب هر کس را که هیئت مأمورین نظامی برای سرباز گیری صلاح دیدند قبول کنند وزیر بی رقی حاضر شود جماعت دیگر عقیده شان این بود که مأمورین بهیچ وجه دخالت در انتخابات سرباز نداشته باشند و همبقتدر که شروط سربازی در چند نفر موجود شد مالک بکنفران آنها را برئیس فوج یا مأمور سرباز گیری معرفی کنند او بدون چون و چرا باید آن سرباز را قبول کند که در محل خودش بفرستد در هر يك از اینصورت مفاسدی بود که مذاکره شد و بعد از مذاکرات زیاد ماده ۹ باین ترتیب مرتب و بمجلس پیشنهاد شد بنده گمان میکنم در این صورت نظریات طرفین هر دو ملحوظ شده است یعنی از طرفی معین میکنند که آن عده که برای سرباز گیری میروند باید چه طور اشخاصی باشند تنها مأمورین وزارت جنگ یا تنها رئیس فوج نیست بلکه چندین نفر مأمور تعیین نماینده وزارت جنگ و وزارت داخله و وزارت مالیه و همبقتدر طبیب محل و ملای محل برای انتخاب سرباز باید حاضر شوند و اختیارات تام و تمام بنمایند وزارت جنگ داده نشده است که هر کس را بخواهد بمیل و اراده خودش بگیرد و از طرف دیگر شروطی برای سرباز معین شد است که اینها خودش مانع است از اینکه مأمور وزارت جنگ بخواهد بعضی عملیات بکنند و اگر عده دارای شرایط هم زیاد تر از ماخذ شد آن عده که منظور

است بقرعه از بین آنها تعیین میشود و باین ترتیب گمان میکنم این جزئی اختیاری را که برای هیئت منتخبین سرباز گیری باقی مانده است یعنی انتخاب یک نفر را از بین دو نفر که هر دو مساوی است کرده بشود از وزارت جنگ سلب گردد .

حاج شیخ اسدالله - آقای مخبر فرمودند دو نظر متضاد در کمیسیون بود و هر کدام يك معایبی داشت اما میفرمایند آن معایب چه بود مثلاً میفرمایند اگر اختیار را بصاحبان بنیچه واگذاریم که آنها اشخاص دارای شرایط سربازی را پیشنهاد کنند يك اشکالاتی دارد خوب است آن اشکالات را بفرمائید تا واقفاً اگر آن اشکالات هست بنده هم تصدیق بکنم بنظر بنده که هیچ اشکالی نمی آید یا باید در موقع وضع قانون دو نظر داشته باشیم البته دولت همیشه پیشنهادی که میکند وظیفه اش همین است که صریحاً خودش را در نظر بگیرد و يك اختیار فوق العاده در دست داشته باشد و بعضی بر او وارد نیست که بوظیفه خودش عمل کرده است ولی ما باید دو نظر داشته باشیم یعنی هم ملاحظه حقوق دولت و حفظ امنیت را برای اساس مملکت داری بکنیم و هم ملاحظه آسایش مردم را در ضمن وضع قانون بنمائیم که فقط اسم نباشد و در موقع عملیات بر آنها سخت نباشد که بتوانند از عهده انجام وظایف خودشان بر آیند مثلاً در این جا بنویسند سرباز باید یادار باشد و اختیار تعیین این یادار را هم بدست يك اشخاص معینی که از طرف وزارت جنگ میروند و اگر بکنند یا نماینده حکومت محل یا بکنند یا بکنند دیگر را هم ضمیمه میکنند اما معین نمی کنند که یادار یعنی چه و صاحبان بنیچه چه جور سربازی را باید بیاورند معرفی کنند تا مأمورین قبول کنند باید در این جا معین شود که مراد از این یاداری که نوشته شده است چه چیز است و با اختیار خودشان واگذار نکنند که هر کس را صاحبان بنیچه پیشنهاد کند مأمورین سرباز گیری رد کنند و بگویند این شخص یادار نیست و اگر بپرسند چرا یادار نیست آنوقت (هم چنانکه آقای مخبر میفرمایند) بگویند بعضی از محظورات و مشکلات هست که من میدانم و تونمیدانی و يك اسرار نگویی هست که منحصراً بامأمورین دولت است بنده عرض میکنم قانون را باید واضح نوشت که میان دولت و ملت حکم قاطع باشد و در مقام عمل هیچ اشکالی از برای مردم واقع نشود و بقول بعضی کش دار نباشد که هر چه بکشند بهیچ جا منتهی نشود پس يك نظر این است که اول باید معین شود مراد از یادار چیست و نظر دیگر این است که دولت شرایط سربازی را هر قدر میخواهد سخت کند بنده حرفی ندارم ولی بعد از اینکه آن شرایط کاملاً در قانون نوشته شد باید اختیار تعیین سرباز را بصاحبان بنیچه واگذار کنید که صاحبان بنیچه اشخاصی را که دارای آن صفات و شرایط هستند بوزارت جنگ معرفی بکنند و بعد از آنکه مطابق آن موارد و شرایط معرفی کردند دیگر مأمور دولت بتواند بگوید که من اینرا نمی پذیرم و این سرباز لیاقت ندارد و یادار نیست و اگر از او پرسند یادار یعنی چه خودش هم برای ترجمه اش معطل میماند پس بهمان نظری که در شور اول این قانون عرض کردم و بواسطه همان اشکالاتی که در موقع عمل تولید میشود بواسطه

آن فشاراتی که بمردم وارد میاید همچنانکه در زمانهای سابق وارد میآمد باید اختیار تعیین اشخاص را بعهده صاحبان بنیچه واگذارند يك فقره دیگر هم که بنده تامل دارم این است که بنویسند در صورتی که عده حاکمان موافق شرایط سربازی در آن بنیچه نباشد آن وقت مالکین باید ضمانت نموده از اشخاص دیگر همان محل بیاورین وزارت جنگ معرفی کنند میخواستیم عرض کنم اگر اشخاص دارای شرایط مزبوره در آن فاصله و آنده نباشند آنوقت چه خواهند کرد ؟ پس برای این صورت هم باید بنویسند که در صورتیکه در آنده اشخاص دارای شرایط سربازی موجود نباشند از محل های دیگر با شرایط مزبوره صاحبان بنیچه ضمانت کنند و بیاورین دولت پیشنهاد کنند آنها هم قبول کنند بعد از آنکه این اختیار را بمالکین دادیم و صاحبان بنیچه این اختیار را دارا شدند دیگر عنوان فقره در این ماده لغو میشود فقره یعنی چه صاحبان بنیچه يك عده اشخاصی بیاورین دولت معرفی میکنند اگر دارای شرایط نباشند آنها را تبدیل میکنند و اشخاص دیگری که دارای شرایط هستند معرفی میکنند در اینصورت دیگر موضوع فقره از میان میروند فقره باید از این ماده حذف شود این است که بنده يك پیشنهادی میکنم که خیلی مختصر است که تعیین افراد سرباز با شرایطی که در ماده پنجم ذکر شده است اختیارش فقط بصاحبان بنیچه باشد که بیاورین وزارت جنگ پیشنهاد کنند و اگر دارای شرایط شد مأمور وزارت جنگ مجبور باشد او را بپذیرد

معاون وزارت جنگ - عنواناتی که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند بهیچ ماده قابل قبول وزارت جنگ نیست سرباز مطابق این مواد و شرایطی که در این جا نوشته شده است یعنی از تاریخی که وارد سن بیست سال شد در هر محلی در تحت اختیار مستقیم وزارت جنگ خواهد بود و مسلم است در این جا بعضی شرایط اصلی ذکر شده است و شرایط فرعی قید نشده است مثلاً ممکن است مالکین یا صاحبان بنیچه اشخاص دارای این شرایط را بیاورند یا بدهند در صورتیکه قدش کوتاه است یا یک نفر را بدهند و اهل سابقه باشد دیگر اینکه يك کمیسیون یا يك هیئتی که میروند برای مملکت خودشان يك خدمتی بکنند چرا باید از اول قیاسی بکنیم که اینها با رعیت دشمن هستند و اینکه نماینده معتمد از این اندیشه دارند و شاید آن مأمورین برای يك طمع یا يك غرض يك احمدی را رها کند و محمودی را بپذیرد برای این مسئله هم وزارت جنگ پیش بینی کرد و مواد خیلی سختی مقرر کرده است که رعیت سرباز بدینان مواد متوسل شود و البته يك هیئتی که برای گرفتن سرباز از طرف دولت بعمل میروند يك سندی در دست خواهند داشت و آن سند یکی این قانون و یکی آن نظامنامه است که بامضاه پادشاه مملکت خواهد رسید و با این حال آن مأمورین هیچ نمیتوانند از حدود آن قانون و آن نظامنامه تعدی و تجاوز کنند و من نمیدانم در اینجا تولید اینهمه اشکال برای چیست پس آن وزارت جنگی که اختیار شناسایی و تعیین قد و قواره سرباز خودش را نداشته باشد من نمیدانم چگونه میتواند خدمت بکند و انتظام و اداره مملکت را در عهده بگیرد

مدرس - اگر چه وظیفه و کلاه مجلس شورای ملی این است که همه امکن ملاحظه آسایش ملت و افراد ملت را بکنند اما عقیده بنده اینست این مذاکراتی که بعضی آقایان فرمودند خیلی طرفداری از دولت است ما فقط میخواهیم موفق بشاشن سرباز بشویم و غرض ما داشتن سرباز است و همبقتدریکه آقا فرمودند وزارت جنگ نمیتواند قبول کند شخص بنده هم که یک نفر هستم نمیتوانم از طرف ملت این ماده را قبول بکنم این ماده مشتعل بر مطالبی است که بعضی آقایان فرمودند و بعضی پیشنهاد کردند که یادار را باید معینی کرد این فرمایش های خیلی متین وار روی فلسفه است و بهمین طریق که پیشنهاد فرموده اند یا به قسم دیگر باید واضح و روشن باشد که سرباز یا دار یعنی چه شاید ایران بعضی نقطه داشته باشد که وقتی بگوئی یادار خیال بکنند باید يك کسی را بیاورند که با داشته باشد پس باید معین کرد که یادار چه چیز است و الا اسباب زحمت میشود اینکه فرمودند باید مأمورین وزارت جنگ اختیار داشته باشند و الا چگونه میتوانند اداره کنند عرض میکنم این کسیکه سرباز میشود مسئولش کی خواهد بود آیا مالک مسئول این سرباز خواهد بود یا نخواهد بود پس اگر کسی باشد که با اختیار من نباشد امکان ندارد من مسئول باشم مثلاً شما میروید یک نفر یا دو نفر سرباز از يك محلی میخواهید آنکس را که او پیشنهاد میکند شما قبول نمیکند و يك کسی دیگر را میخواهید در اینصورت او چگونه میتواند ضامن باشد این يك مطلبی است که برهانش با خودش است آنرا که او پیشنهاد میکند شما قبول نمیکند و آنکسی را که شما قبول میکنید غیر از پیشنهاد او است پس چگونه میشود که در غیر پیشنهاد خودش مسئول باشد بلی تا مأمورین دولت را تقدیس میکنم البته مأمورین دولت با رعیت غرضی ندارند اما محبت با چیزهای دیگری دارند نه اینکه با رعیت غرضی داشته باشند و آنکه شما سرباز میخواهید که دارای شرایط باشد میخواهد قدش دو زرع باشد در قانون مینویسد که دوزرع هر چه میخواهید در قانون شرایط بنویسند که وقتی مأمورین میروند و مالکین يك کسانی را که دارای شرایط هستند بیاورند دیگر مأمورین اختیار اینرا نداشته باشند که بگویند این شخص دارای شرایط است ولی قبول نداریم و باین ترتیب همان قسمی که فرمودند بقرعه اتفاق نیافتد بجهة اینکه رعیت هرگز زیادتر از تقدیری که میخواهید نخواهند آورد یکمده را بیاورند پیشنهاد میکنند اگر مأمورین وزارت جنگ قبول کردند قضا و الا کسی دیگر را پیشنهاد میکنند بنا بر این این ماده سرتا پایش اسباب زحمت است و گمان میکنم خوب موفق نشویم پس اگر شرایط دیگری لازم است در قانون بنویسند تا آن کسیکه مکلف بدادن سرباز است بر طبق آن شرایط سرباز بدهد و اگر آن سرباز دارای شرایط نشد مأمورین بگویند قبول نمیکنیم و لزومی ندارد که بعضی شرایط را در قانون و بعضی را در نظامنامه بنویسند زیرا میدانید زحمتاتی که بمردم وارد میآید چه قدر است و بعد از آنکه در گرفتن سرباز بمردم زحمت زیاد وارد شد ملتفت میشوند و بزرمت و مرارت بگیرند سرباز موفق میشوند اما اگر زحمت مردم فوق العاده نباشد با کمال میل

اقدام خواهند کرد و ما صاحب قشون خواهیم بود لهذا باید یادار را معین کرد و فقره را لغو نمود و این مطالب را تماماً با غرض مشروع و خوبی که داریم مضری ندارند .

مخبر - اولاً آقای حاج شیخ اسد الله اظهار میفرمایند که دولت در پیشنهادیکه میکنند تکلیفش این است قدرت خودش را زیاد کند و ما هم تکلیف مان این است که بگذری از آن اقتدارات بکاهیم بنده تصور میکنم دولت و ملت نباشد در همه یکست و ما هم که ایندکان ملت هستیم بیشتر جابدهیم که قوای مملکت و ملتمان افزوده شود و قوتش بیشتر بود که بتواند يك کاری بکند میکنم در این موضوع يك کشمکش وجود نداشته باشد اما اینکه فرمودند صاحبان بنیچه اختیار داشته باشند بنده در فقره قبول هم شرحی عرض کردم که يك مالکی که باید صد یا صد و پنجاه نفر سرباز بدهد این آدم مالک آن ملک است مالک اشخاص نیست کاین اشخاص را انتخاب کند و بیاورد و نماینده وزارت جنگ را مجبور کند که قبول نماید بنده گمان میکنم وزارت جنگ می تواند هر کس را که سربازی دارد در در او موجود باشد برای سربازی بگیرد هیچوقت پنج نفریکه در يك بنیچه هستند ممکن نیست یکی بر دیگری سبقت بگیرد وزارت جنگ مجبور خواهد بود که خودش میان آنها حکم باشد و یکی از آنها را اختیار کند پس اختیار آن کسی را که باید سرباز شود نباید بمالک و گذار کرد بجهت اینکه او مالک ملک است نه مالک اشخاص و اینکه آقای مدرس فرمودند چرا بعضی شروط را در قانون و بعضی در نظامنامه بنویسند عرض میکنم نظامنامه وزارت جنگ مثل سایر نظامنامه ها نیست یعنی آنرا مثل نظامنامه سایر وزارتخانه ها نمی شود فرض کرد يك نظام نامه ایست که خودش يك قانون مفصل و مدونی است که از او تجاوز و تحطی ممکن نیست مثل اینکه چندین فصل آن تا امروز نوشته شده است و پس از اتمام باید بصحه ملو کانه برسد و بموقع اجراء گذاشته شود با این ترتیب بعض جزئیاتی را که راجع به نظامنامه است نمی توان قانون نوشت و الا آن قانون خیلی مفصل و مشروح خواهد شد بنابراین گمان میکنم باید اختیار گرفتن سرباز با مأمورین دولت یعنی آن رئیس که از طرف وزارت جنگ و مالیه و داخله معین میشود باشد

رئیس - پنج فقره پیشنهاد رسیده است يك فقره راجع بتعریف یاداری و دو فقره دیگر راجع به حذف یاداری و دو فقره دیگر راجع بحذف انتخاب هیئت مأمورین است اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند قرائت شود و رأی بگیریم - (بعضی گفتند کافی است و بعضی گفتند کافی نیست)

رئیس - پس رأی میگیریم آقایان بنده مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

(عده قلیلی قیام نمودند) و

رئیس - معلوم است کافی نیست

آقای شیخ ابراهیم زنجانی - باعتقاد بنده باید در هر امر مقام جریان را بنظر آور و اشکالات را ملاحظه کرد بعد از آن اشکالات را با قانون رفع کرد هر جا که مأمورین از طرف دولت معین شدند و برای سرباز گیری رفتند چنانکه دیده ایم گریبان بر سر که خدا را میچسبند که باید این شخص سرباز

بشود و پادار است برای آنکه آن بیچاره فلان قدر بدهد و از سربازی معاف شود یا اینکه یک کسی بر فلان حاجی است و میگوید بدهد سرباز شود تا اینکه با واسطی خلاص شود و آنوقت که اهل محل یک کسی را آوردند چون بی خبر است و کاسب هم نیست دشتبان است میگویند چمن عیب ندارد سرباز شود و او را قبول می کنند هم اینطرف اشکال دارد و هم آنطرف سرباز گیری کار سهلی است نه در این مملکت مطلقاً در تمام عالم کار سهلی نیست باید معلوم باشد که شرایط چیست مثلاً پادار را معنی نکرده اند معلوم نیست چه خواهند کرد آنچه که بنده پیشنهاد کرده بودم این بود که یک خانه مالک صد و پنجاه تومانی داشته باشد یا مالک ملک ضامن باشد چون کسیکه سرباز می شود پول داوطلبی میگیرد اگر گریخت باید چیزی داشته باشد یا مالک ملک ضمانت کرده باشد که بتواند عوضش را بگیرند زیاد برای بنده پیشنهاد نکرده بودم و آنهم برای پادار بودن هیچ اشکالی نداشت اما در خصوص اینکه اهل ده بخوانند سرباز را پیشنهاد کنند اتفاق می افتد که جمعی این شخص و جمعی آن شخص را پیشنهاد می کنند آنوقت هرگاه عده زیاد شد و عوض پنج نفر ده نفر پیشنهاد شد و تمام ادارای شرایط بودند و مأمورین دولت همه را لایق و خوب دانسته آیا چه خواهند کرد بحکم قرعه پنج نفر را از میان آنها انتخاب خواهند کرد یا اینکه مأمورین دولت خواهند گفت یا این پنج نفر را انتخاب می کنیم اگر اینطور باشد بقرعه نمیرسد آیا شق اول را باید انتخاب کند یا شق دوم را در صورتیکه مأمورین دولت بداند خود انتخاب کنند پس دیگر قرعه برای چه وقت است بعقیده من هر گاه عده را کسر باز دهند کان معین می کنند اگر دارای شرایط باشند باید مأمورین دولت مجبور به قبول باشند و الا اگر بگویند اینها را رد می کنیم باید دلیل داشته باشند و اگر زیاد بر عده لازم بیاورند باید بقرعه باشد دیگر اختیار انتخاب را نمی دانم در چه صورتی است آیا وقتی است که بقدر لزوم پیشنهاد شده یا وقتی است که از قدر لزوم بیشتر باشد و همه هم دارای شرایط باشند در اینصورت هم که بقرعه است پس انتخاب مأمورین دولت در چه صورت است این را معین فرمایند.

مخبر - محقق معلوم است اشخاصی را که رعایا بعنوان سربازی معرفی میکنند اگر که دارای شرایط سربازی باشند البته همانطوریکه در ماده نوشته شده است مأمورین دولت مجبوراً قبول خواهند کرد و این در صورتی است که بیش از عده لازم نباشد یعنی هفتر را بیاورند و معرفی کنند و این پنج نفر همه دارای شرایط سربازی باشند البته آن هیئت مجبور خواهند بود آنها را قبول کنند در این باب گمان میکنم اصلاً اختلافی نباشد اما در صورتیکه عده اشخاص قابل سربازی بیشتر از آن عده باشد و مأمورین وزارت جنگ تصدیق کنند که تمام آنها دارای شرایط سربازی باشد آنوقت باید بقرعه معلوم شود ولی آن عده را که رعایا معرفی می نمایند مأمورین وزارت جنگ بعضی از آنها را از یک حیثی ناقص میدانند البته در اینصورت از میان آن عده که رعایا معرفی کرده اند آن عده را که

لازم دارند با اختیار خود انتخاب میکنند گمان نمی کنم آن ماده بیجی داشته باشد.

سردار معظم - در شور اولش در این ماده یک اساسی معین اتخاذ نشده بود و آن اختیار دادن بدولت بود از برای اخذ سرباز ولی بعضی نظر های مخالف در مجلس اظهار شد غرض این نیست که یکی از این دو نظر باید اتخاذ شود یا اینکه کاملاً اختیار گرفتن سرباز بدولت داده شود یا اینکه مالکین و صاحبان بنیچه این اختیار را بگذارند و الا احدمشترک اتخاذ کردن اسباب زحمت است یعنی اگر به پیشنهاد رعایا مالکین و قبول کردن مأمورین باشد نظریاتی است که آیا پیشنهاد کننده چه حق دارد آیا مأمورین حق دارند رد کنند یا نه و در ضمن قرعه دیگر عده چه ترتیب خواهد بود بعقیده بنده عوض اینکه این ماده اصلاح شود قدری خراب تر شده است چنانچه اگر اختیار سرباز را مالکین باشد دیگر قرعه محل نخواهد داشت بجهت اینکه خواهند گفت فلان محل چند نفر مطابق شرایط معین کنند آنها هم همان عده را معین میکنند دیگر قرعه نمی خواهند و همین چنین قسمت اخیر ماده میگوید هرگاه عده کافی موافق شرایط سربازی در آن بنیچه نباشد مالکین می توانند ضمانت نمود از اشخاص دیگر همان محل این نقصان را تکمیل کنند بعقیده بنده این مسئله در عمل وجود خارجی پیدا نخواهد کرد و باعث این خواهد شد که در همه محلها بگویند ما عده لازمه را نداریم آنوقت بروند یک اشخاص بی یائی را از خارج بیاورند پس معایب این ماده خیلی زیاد است و خوبست از طرف آقای مخبر موافقت شود و این ماده برگردد بکمیسیون بجهت اینکه هر چه بخواهیم این ماده را در محل درست کنیم نخواهد بود پیشنهاد هائی هم که شده است فایده نخواهد داشت و باعث مذاکرات زیاد مثلاً یکی از آن پیشنهاد هائی که کرده اند راجع به تعریف پاداری است بعقیده بنده این اشکال وارد است و حقیقتاً تعریف پاداری باید در قانون بشود یعنی وقتیکه میگویند سرباز باید پادار باشد باید معلوم باشد چه قدر باید داشته باشد چون پاداری حد معینی که ندارد ملبوس هم پادار است یک کسی هم که ده تومان دارد پادار است پس بعقیده بنده این است که خوبست این ماده را برگردانند بکمیسیون و علاوه بر اعضاء کمیسیون یک چند نفری هم از مخالفین حاضر شوند و تبادل فکری بکنند و این ماده را یک جامعی درست کنند و بمجلس بیاورند.

مخبر - پس از این شرطی که فرمودند گمان میکنم مخالفتی نباشد که این ماده برگردد بکمیسیون و آقایان تشریف بیاورند و یک ترتیب صحیحی داده شود.

رئیس - پس پیشنهاد هاهم فرستاده میشود بکمیسیون و البته متذکر خواهند شد که کدام پیشنهاد قبول شده است و کدام قبول نشده است ماده دهم دهم خوانده میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده دهم - در صورت خرابی و عدم استعداد یکی از محلهای قشون بده که خرابی و عدم استعداد آنرا وزارت مالیه نیز تصدیق نموده باشد وزارت جنگ میتواند محل مزبور را از دادن کلیه یا قسمتی

از عده بنیچه معاف نموده از محلهای مربوط همان حوزه که استعداد داشته باشد با موافقت وزارت مالیه عوض بگیرد.

آقا شیخ ابراهیم زنجانی - این محلهای مربوط همان حوزه اگر جاهائی است که بقدریکه مالیات خود سرباز هم دارد پس بنیچه دلیل میتوان این تحصیل بشود مثلاً یک جائی خراب است و جای دیگر آباد اما آنجا که آباد است بقدر لزوم سرباز میدهد پس گفتن آنکه بجای دیگر تحصیل خواهد شد چگونه خواهد بود.

مخبر - لابد آقا دقت فرمودند که بعضی محلها است که سرباز میدهد و مالیاتشان نسبتاً کمتر است و بعضی محل های دیگر نزدیک آنها هست که مالیات بیشتر میدهند و از سرباز دادن معافند آنکه نوشته شده است از محلهای مربوطه همان حوزه برای این است که ممکن است یک دهی خراب شده باشد و قدرت دادن سرباز را نداشته باشد ولی یکده دیگر نزدیک آن ده جدیدالنسق و تازه احداث شده باشد یعنی جزو همان املاکی که باید سرباز بدهد یکدهی تازه آباد شده و هیچ سرباز ندارد یا اینکه یک محلی باشد که یک سرباز کمی داشته باشد مثلاً باید بر حسب آبادی سی نفر سرباز بدهد اما وقتیکه دقت میکنیم می بینیم دو نفر سرباز نمیدهد یا هیچ سرباز نمیدهد البته در اینصورت وزارت جنگ با موافقت نظر وزارت مالیه و مأمورین او میتواند بر عده سرباز آن ده بیفزاید که در حقیقت میان آنفوج و آن قسمت یک تساوی بعمل آمده باشد و هر کس باندازه خودش سرباز داده باشد.

حاج امام جمعه - بنده همان اشکالی را بنظر آقای زنجانی آمد میخواستم بگویم و این تقریرات آقای سردار مرا قانع نکرد بجهت اینکه آن جمع را که میخواهند بر آن این تحصیل را بکنند اگر مالیات بنیچه دارد بیشتر از بنیچه خودش نخواهد داد و اگر مالیات نداشته باشد و جدیدالنسق باشد شما که میگویند باید که سرباز بر آنها تحصیل شود در اینصورت نباید اول بر آن محل مالیات بدهند و نتیجه اشرا معلوم کنند آنوقت بگویند این مقدار سرباز را بدهد این یک چیز بی اساسی است و هیچ نتیجه از آن معلوم نمیشود اما اینکه در ضمن مذاکراتشان گفتند ممکن است در حوزه همان ده ممکن است یکده دیگری را آباد کرده باشند فرق نمیکند اینجا سرباز نمیدهد آنجا میدهد برای اینکه این همان ده است اگر یک دهی را از آنجا بردارند و در نیم فرسخی آبادی درست کنند دیگر نمیگویند آنجا استعداد محلی ندارد او همان ده است تنها محلی تغییر کرده است پس اینکه اینجا نوشته اند هیچ نمیتواند موقع اجرا پیدا کند و بجای دیگر هم نمیتوان تحصیل کرد.

حاج شیخ اسدالله - چون در این ماده در شور اول مذکور شد و یک قدری در او دقت شده و بمجلس آمده است تصور میکنم یکی از مواد خوب این قانون باشد ولیکن چیزیکه هست باید توضیح شود که حوزه یعنی چه حوزه یکدهست حوزه یک فوجی زیرا ممکن است در یک حوزه که یک فوج سرباز میدهد یکی از دهات آن خراب شده باشد مثلاً فلان ده حسن آباد مطابق بنیچه ده نفر سرباز نمادند امروز باندازه مغربه شده است که مالک از

همه تادیه مالیات آن بر نیاید و اگر بخواهد مطابق بنیچه ده نفر سربازی که بر آن بسته شده است بدهد از عده بر نیاید در اینصورت وزارت جنگ با موافقت نظر وزارت مالیه تصدیق کرده است که این محل خراب شده و قابل اینکه ده نفر سرباز بدهد نیست در همان حوزه که هزار نفر سرباز بده است رجوع میکنند می بینند کدام یک از این دهات لیاقت آنرا دارد چهار نفر یا دوفنفر سرباز علاوه بر آن عده سربازی که میداده است بدهد بر آنجا تحصیل میکنند و اینکه مذاکره میشود مطابق بنیچه که داشته و سرباز میداده است مطلب خیلی سهل است مثلاً در یک دهی که بیست تومان بنیچه دارد یعنی در موقع بنیچه بندی که میخواستند سرباز بر آن تحصیل کنند این بیست تومان بنیچه را نسبت باین ده نفر سرباز قسمت میکردند و برای هر یک نفر سربازی دو تومان بنیچه معین میشد حالا که میخواهند دوفنفر سرباز بر آنجا تحصیل کنند همان بیست تومان بنیچه را نسبت باین دوازده نفر سرباز تقسیم میکنند آنوقت بهر یک نفر سربازی هفده قران یا هیجده قران میافتد باز فرق نمیکند بنیچه تقییری نکرده اصل بنیچه بجای خودش باقیست منتها هر یک نفر سرباز در آن وقت دو تومان بنیچه داشته است حالا هر سربازی هیجده قران بنیچه دارد لیکن در دو موقع ممکن است فرق کند اسباب زحمت نشود چون لابد یک تحصیل بر مالکین خواهد شد یکی برای یا داری سرباز است که باید یک چیزی بدهند و سرباز را پادار کنند و یکی خانواری و نان خانه است که هر ساله میداد اند و حالا چون محل لیاقت دارد وزارت مالیه تصدیق کرده آن وجهی که سابق مثلاً ده تومان خانواری میداده حالا باید دوازده تومان بدهد پس اصلاح این امر را باید باینقسم بکنند و الا غیر از این نمیشود مگر اینکه بگویند هر دهی که استعداد ندارد بآن ده کلیتاً تخفیف بدهند و از جای دیگر بگیرند اگر اینطور باشد اساس سرباز گیری مختل میشود و یک اساسی باقی نمی ماند و معلوم میشود کدام فوج هزار نفر است و کدام فوج هشتصد نفر است و معلوم نیست بکجا تخفیف داده نمیشود و بکجا تخفیف داده نمیشود یک هر چه مرجی در نظام تولید خواهد شد

حاج شیخ ابراهیم زنجانی - یک اشکالی برای بنده پیش آمده است که باین بیانات آن اشکال بنده حل نشد فرض میکنم یک دهی در یک حوزه یا یک بلوکی خراب شده و نمی تواند سرباز بدهد سایر دهات آن بلوک هم بحال خودش باقی است خراب نشده آباد تر هم نشده است و سربازش را هم مطابق بنیچه که دارد میدهد مالیاتش را هم میدهد آنوقت اگر بنا باشد سرباز زیادتر بدهد مالیاتشان هم زیاد تر خواهد شد و آنچه را که از باب خانواری و سرشماری میدهند اضافه بر مالیات آنها خواهد شد پس وزیر جنگ حق خواهد داشت هم مالیات زیاد کند و هم بر عده سرباز بیفزاید و الا اگر اینطور نباشد پس در یک محلی که بقدر لزوم سرباز ندارد و در آن حوزه هم جائی آباد نشده است چه خواهند کرد.

سردار معظم - اولاً فرض میکنیم چنانچه آقایان مخالفین میگویند این ماده راه حل اشکالی که برای ایشان دست داده است نیست پس خوبست بفرمایند راه حل این مسئله چیست تا ما هم تصدیق کنیم البته آنچه در این ماده نوشته شده است اسباب تحصیل است نمیگوئیم تحصیل نیست ولی وقتیکه یک محلی خراب

شده و مقابل چه باید کرد باید تصور کرد که پس از اینکه یک محلی خراب شود استعداد دادن آن عده سرباز را نداشت یا باید تمام آن عده را دولت تخفیف بدهد و از جای دیگر بگیرد یا اینکه قهراً مجبور است با اینکه میبیند تحصیل میشود مابین جاهای دیگر سرشکن کنند از این دوشق که خارج نیست و شق دیگری بنظر نیاید که هم از عده قشون کاسته نشود و هم اینکه یک تحصیلی نشود شق اول را گمان نمیکند هیچ طرفدار نداشته باشد بجهت اینکه آقایان نمایندگان در جلسه گذشته پیشنهاد فرمودند عده قشون از هفتاد پنج هزار نفر و هشتاد و سه هزار نفر تجاوز کند و صد هزار نفر باشد پس از یکطرف ما خودمان را مقید میدانیم که عده قشونمان را زیاد کنیم و از طرف دیگر اگر آن عده سرباز را که محلشان خراب شده است بکلی تخفیف بدهیم تصور میکنم چند سالی بیشتر طول نکشد که قشون ما بصرف برسد بجهت اینکه تمام نقاط بانواع و اقسام وسائل در صدد بر خواهند آمد که محل خود را خراب شده قلم بدهند و تخفیف بگیرند یک مسئله دیگری هم هست اینست اینکه میفرمایند یک محلی که بقدر استعدادش سرباز میدهد و مالیاتش را هم میدهد دیگر چرا باید بآنجا تحصیل کرد فرض میکنم اگر ممیزی مالیاتی سرباز گیری تازه شده بود آنوقت ممکن بود اینطرف را قبول کرد ولی فعلاً در هیچ جا آن تناسبی که مابین مالیات و عده نفرات بوده است محفوظ و مضبوط نمانده است بعضی جا ها خیلی خیلی آباد شده است ولی بواسطه اقداماتی که مالکین کرده اند تناسب معکوس همانقدریکه آباد شده است ازدادن سرباز معافیت گرفته اند و بالعکس بعضی جا ها که خراب شده هنوز آن عده سابق برقرار است بعضی جا های دیگری هم هست که آباد شده تخفیف هم نگرفته اند ولی بهمان ترتیب سابق و غیر منظم باقی است پس در اینصورت وقتی که یک محلی خراب شده باشد چه باید کرد معلوم است خیلی ظلم و دور از عدالت خواهد بود که بگوئیم این دهی که خراب شده است سرباز خودش را بدهد پس قهراً باید بگوئیم آنها را معاف کنند بعد چه باید کرد و آنوقت یا باید آن عده را که تخفیف داده اند عوض بگیرند آنهم که از نظر نقصان عده صلاح نیست پس صلاح اینست که باید سرشکن کنند میان آن حوزه اگر آن حوزه حوزه فوج است میان حوزه آن فوج باید سرشکن کنند و اگر دسته سوار یا دسته توپچی است باید میان همان حوزه دسته سوار توپچی سرشکن شود به علاوه در محل خیلی شاذ و نادر خواهد بود که در یک همچو حوزه وسیعی که پنج نفر سرباز را یک دهی که نه مالیات دارد و نه قابل سرباز دادن است تخفیف داده ایم هیچ دهات دیگری نباشد که قابل این تحصیل باشد و در محل این مطلب بقدری شاذ و نادر بود که صورت میکنم محل ابتلا نخواهد شد فرض میکنم که در آن حوزه یک همچو دهاتی پیدا نشد آنوقت این پنج نفر سرباز بدهات همان حوزه سرشکن می کنند و اگر یک نفر سرباز یک محلی اضافه شد که فوق طاقت آن محل بود آنوقت مطابق همین ماده میتواند به وزارت جنگ رجوع کند و وزارت جنگ هم بحال دیگری که قابل این تحصیل نمی داند تحصیل خواهد کرد و اگر آن عده دید فوق طاقت است بجای دیگر تحصیل خواهد شد بالاخره اگر در آن حوزه هیچ محل لایقی

پیدا نشد وزارت جنگ و وزارت مالیه ممکن است آن عده را تخفیف بدهند ولی در هر صورت اگر یکراه حلی برای اینکار پیدا نکنیم و بگوئیم بکلی تخفیف بدهند میترسم در طرف یک مدت کمی عده کمی قشون به صفر برسد.

حاج امام جمعه - بنده غالب این فرمایشات را نمیتوانم تصدیق کنم میفرمایند یکجائی که ویران و خراب شد اگر بنا باشد سربازش را تخفیف بدهند و عوضش را بگیرند آنوقت فوجهای به صفر میرسد ما میگوئیم سعی کنید دهات آباد شود و دو مقابل شود باید جهد کرد و نگذاشت ویران شود البته اگر خدا نکرده ویران شود صفر خواهد شد و اما اینکه میفرمایند ما از یکطرف میخواستیم از عده قشون کاسته نشود و از طرفی میخواستیم بفرهنگها تحصیل نکنیم اینطرف راست است باید در قانون هر دو این نظر را جمع کرد و البته مسلم است که وزارت جنگ هم مراعات هر دو اینها را خواهد کرد باین معنی که وقتی که وزارت جنگ داخل در عملیات شد قشونش را گرفت اگر دید بعضی جاها لاوصول و بی محل مانده آنها را و صورت بر میدارد یک محلی از برای آنها معین میکند و بمجلس شورای ملی میآورد مجلس شورای ملی هم آنرا تصویب نمیکند و الا از حالا آدم یک قانون بی محلی وضع کند و بدست وزارت جنگ بدهد اینرا بنده نمیتوانم تصدیق کنم.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در صورت خرابی و عدم استعداد البته نظر باین نیست که سرباز ندهد یا مالیات ندهد بلکه نظر ما باین است که این محلی که از بین رفته است جبران آنرا بچه بکنیم جبران و تدارک او باینست که از حوزه های دیگر گرفته شود پس نمی شود بگوئیم اینکار مستبعد است و هر محل قشون خودش را میدهد دیگر این عده را بکجا تحصیل کنیم و این تحصیل صرف است غیر اینطور نیست مسئله بنیچه از روز اول تا کنون تقریرات کلی کرده است همینطور که خرابی زیاد بهم رسانید همینطور آبادی زیاد هم بهم رسانید و وقتی که باشد این جبران را از حوزه های دیگر تدارک کنید کدام این است بدون اینکه بر کسی ظلمی وارد بیاید جبران میشود بلکه این عمل را دارا میکند که در آن تقاضا یک ممیزی بخصوص هم که محتاج شده اند بنمایند.

رئیس - مذاکرات گویا کافی است برای میگیریم بماده دهم آقایانی که ماده دهم را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند و ماده یازدهم بشصتون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - بهر یک از نفرات و دستجات قشونی مطابق میزانیکه در بودجه وزارت جنگ تصویب خواهد شد حفرق محلی داده میشود.

حاج قزوینی - بعقیده بنده لازم است در اینجا تصریح شود که در بودجه وزارت جنگ که از تصویب مجلس شورای ملی خواهد گذشت برای اینکه تا این تصریح را نکنیم گمان نمیکند قابل رأی باشد.

مخبر - گمان میکنم هر رأیی که مجلس در بودجه همان حقوق سرباز داده خواهد شد جمله (تصویب خواهد شد) متعلق بمجلس است غیر از

مجلس دیگر نمیتواند بودجه را تصویب بکند اینکه نوشته شده است در بودجه وزارت جنگ تصویب خواهد شد یعنی مجلس تصویب خواهد کرد مطلبی واضح است و تصریح لازم ندارد.

نظام السلطان - بنده گمان میکنم اعتراض آقای حاج عزالمالك وارد است و چیزی هم از این ماده کسر نخواهد کرد.

رئیس - رای میگیریم بماده یازدهم **حاج عزالمالك** - بنده پیشنهادی دارم.

رئیس - این پیشنهاد ها را ممکن است زودتر بدهید (ماده دوازدهم قرائت میشود) تا پیشنهاد ایشان برسد.

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده دوازدهم - حقوق مجلسی افواج دستجاتیکه حاضر خدمت هستند برای مدتیکه تحت صلاح میباشند از حقوق بام خدمت آنها کسر خواهد شد.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده اولاً عرض می کنم تغییر حقوق چه در این ماده و چه در سایر مواد قابل تذکر نیست بواسطه اینکه درازاه این خدمت بزرگ حقوق افراد قشون نیکنامی و سعادت است نه این جزئی چیزوفی الحقیقه این حقوق مدد معاش و کمک خرج است و شاید نتوانستیم اسمش را حقوق بکناریم خوبست تعبیر مدد معاش و کمک خرج بکنیم دیگر اینکه نوشته شده است حقوق مجلسی کسر خواهد شد عرض میکنم این مقرر که سابق بوده است يك مقرری فوق العاده که بامور زندگانی آنها وفا کند و آنها بفراغت مشغول خدمت باشند نه بوده لهند گمان میکنم عوض کسر خواهد شد کسر نخواهد شد باید نوشته شود چون مسئله تقاضای زیادتی بر مقرر قانونی نیست بلکه تقاضای بر زیادتی معمول سابق است و گمان این است این تقاضا هم بجا باشد.

معاون وزارت جنگ - از این پیشنهاد آقای شیخ محمد حسن گروسی نماینده محترم کروس بنام سرباز تشکر میکنم ولی اینکه مفهماند خوبست نوشته شود کسر نمی شود این وقتی است که مثل قدیم حقوق سرباز در ماه هفت هزار و ده شاهی باشد ولی حالا که در ماه حساب کنیم در موعده که در خدمت هستند بعد از وضع لباس و سایر لوازم آنچه که به سرباز میرسد چهار تومان و نیم است و گمان می کنم این کسر جزئی که چیزی نخواهد بود که به معاش سرباز صدمه وارد بیاورد منتها آن سربازیکه در خانه خودش استراحت میکند آن حقوق مجلسی را بنام سرباز میگیرد ولی چون در موقعیکه سر خدمت هست حق کانی میگیرد دیگر حقوق مجلسی باو نمیدهند باینجه که حقوق مجلسی بخانه او داده میشود حقوقی که در رکاب یعنی در زیر بیرق باو میدهند کسر نمی کنند.

حاج شیخ محمد حسن گروسی - بلی اگر رعایت این مسئله باید بشود و آنچه سرباز داده میشود و کفایت مؤنه و اهل و عیال و مخارج مسافرت او را میکند بنده حرفی ندارم در این صورت این تعبیر (کسر خواهد شد) برای چه است می خواستید طوری قرار بدهید که او بر جای باشد و مقرری آخری او هم علاوه داده شود.

رئیس - رای میگیریم بماده دوازدهم آقابانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - (تصویب شد) اصلاح آقای حاج - عزالمالك که راجع بماده یازدهم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - بهر يك از نفرات و دستجات قشونی مطابق میزان که در بودجه وزارت جنگ از تصویب مجلس شورای ملی خواهد گذشت حقوق مجلسی داده میشود.

رئیس - این اصلاح را قبول دارند آقای مخبر مخبر - بلی چون اصلاح عبارتی است ضرری ندارد.

رئیس - بسیار خوب رای میگیریم آقابانیکه ماده یازدهم را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۱ تصویب و ماده ۱۳ بعضون ذیل قرائت شد).

ماده ۱۳ - افراد قشون اعم از حاضر خدمت و مرخص خانه از مالیات سرائه معاف و عوارض از اسب سوار نظام مطالبه نخواهد شد.

رئیس - مخالفی نیست اظهاری نشد رای میگیریم بماده ۱۳ آقابانیکه ماده ۱۳ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند و ماده ۱۴ بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - خانواری (مستمری) یا تعقیف مجلسی را موافق معمول سابق مالکین و رعایا و ایالات مابق دستور وزارت جنگ با احواد افراد قشون مستقیماً تأدیه خواهند کرد.

رئیس - ماده ۱۳ را مسجداً باید رای بگیریم چون وقتی که رای گرفتیم عده کافی نبود در ماده ۱۴ مخالفی هست.

آقا سید فاضل - خواستم سؤال کنم که ممکن است آقای مخبر کمیسیون توضیح بدهند مقصود از کمک و معاونت معمول چیست.

مخبر - همانطوریکه در شور اول شرح مفصلاً عرض شد نمیشود امروز وزارت جنگ آنرا معین کند بجهت اینکه فوج هر مجلسی يك مبلغ معین دارد که آن محل به فوج یا سوار خودش در موقع حرکت و آمدن سر خدمت خواهد پرداخت ولی وزارت جنگ شروع کرده است که يك صورت صحیحی و يك ترتیب تساوی در این بودجه قرار بدهد ولی تا امروز نتوانسته است اینکار را بکند شاید بعدها بصورت تساوی در این امر پیدا شود ولی تا بحال پیدا نشده است و فعلاً وزارت جنگ نمیتواند معین کند چقدر است و هر فوجی يك مقدار معینی دارد.

سر دارم عظم - آقا تصور نمیشود که این ماده مربوط بآئمه که بکمیسیون رجوع شده باشد بجهت اینکه ممکن است بالاخره تصمیم بکمیسیون این بشود که سرباز را خود الك بدهد و دولتی مداخله نکند و عقیده اش این باشد که خانواری در قانون اسم برده نشود بجهت اینکه در این صورت ممکن است مالکین يك اشخاصی را پیدا کنند که هیچ محتاج بخانواری نباشند این يك نظری است که حالا برا بنده پیدا شده است قابل دقت است و خوبست در این ماده در کمیسیون دقت شود چون اگر سرباز را دوات مستقیماً بگیرد باید قطعا خانواری او داده

شود زیرا ممکن است سرباز يك اشخاص بی بضاعتی و استطاعتی گرفته شود اما اگر مالکین محل سرباز را با شرایطی بدارند بدهند گمان میکنم محتاج بخانواری نباشند و آنوقت این اسمی که از خانواری در قانون برده میشود يك تعمیم بسی جایی بر مالکین خواهد بود.

مخبر - بنده گمان میکنم چه سرباز را مالک بدهد و چه دولت بگیرد این مسئله باید قید شود بجهت اینکه مابین رعیت و سرباز خودش قاطع است اگر این مسئله از مجلس بگذرد شاید فردا که يك سربازی سر خدمت میآید دو مقابل یا چهار مقابل مستمری سابقش را مطالبه کند یا اینکه مالک يك کسی را که از بستگان خودش است بخواند اجباراً سر خدمت میفرستد و این اسباب زحمت خواهد شد بنابراین بنده تصور میکنم این ماده هیچ مربوط باین ماده نیست و باید در این ماده رای گرفته شود که خانواری سرباز همان طور که سابق معمول بوده سرباز نرسد.

سر دارم عظم - بنده عرض نکردم که خانواری باید رد شود عرض کردم همانند تا در این ماده مطالبات ثانوی بشود و برای اینکه گفته نشود خانواری يك چیزی است که ضمناً باید بر سر باز پرسد عرض میکنم خانواری در تمام افواج مرسوم نیست و خود آقای سردار سعید هم میدانند در بعضی جاها معمول است و در بعضی جاها معمول نیست آنجاها که هست بقدری مختلف است که حد و وصف ندارد پس از این نقطه نظر نمیشود گفت ضمناً یکی از شرایط سربازی خانواری است.

رئیس - رای میگیریم بماده ۱۴ آقابانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد باشد در ماده ۱۳ تجدید رای شود آقابانیکه ماده ۱۳ را بترتیبی که قرائت شد تصویب میفرمایند قیام نمایند

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شده ماده ۱۵ قرائت میشود (بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - خرج سفر تا باین در موقع حاضر شدن در سر خدمت که موسوم بکمک خرج است کما فی السابق بر همد مالکین و اهالی محل است این ترتیب که از مجلس سکونت تا باین تاجر اجتماع فوج یادسته سوار و توپچی که وزارت جنگ معین مینماید هر منزلی که دو قران بتابین پیاده و توپچی و چهار قران سوار تأدیه نمایند ولی افواجی که خانواری نداشته کما فی السابق در موقع حرکت کمک و معاونت معمول را از صاحبان بنیچه در یافت می نمایند.

حاج عزالمالك - بنده در مواد سابق راجع بخانواری موافقت داشتم و رای دادم ولی این يك ماده را بیکدوری زائد میدانم برای اینکه اولاً بیکده چیز مهمی در این ماده است دادن این مالیات (که مرکز اجتماع فوج یا دسته را که وزارت جنگ معین میکند) اگر مقصود مرکز خود آن فوج باشد باید تصریح شود و الا يك تعمیم فوق العاده بر مالکین میشود که بگویند فوج بکولایت دو راست که بطهران میآید منزلی فلان مبلغ باو بدهند و اگر این نظر را هم ندارند با این ماده اینطور نمی شود

استفاده کرد و يك تعمیم فوق العاده خواهد شد پس باید تصریح شود (تأمر کز آن نقطه که آن فوج را بدهد) که اسباب اشکال نشود مثلاً اگر فوج عراق طهران نیست سلطان آباد است و يك همچو تصریحی در این لازم است تا باین مبلغ را که بطور تصریح دو قران و چهار قران معین میکنند بنده تصور میکنم باین واضحی تا بحال معمول نبوده است ولی چنانکه در ماده قبل رای دادیم خانواری متفاوت معمول بوده است و در هر فوجی بطور مختلف دو تومان و ۵ تومان ده تومان یا بیشتر معمول بوده و ما هم رای دادیم که همان را بر سرباز بدهند ولی چون این مسئله يك چیز واضحی نیست تصور میکنم نمیشود رای داد

معاون وزارت جنگ - این قانون مرکز اجتماع سرباز را معین میکنند چون وزارت جنگ در تشکیلات قشونی برای هر فوجی يك مرکز اجتماعی و برای هر رژیم يك مرکز اجتماعی و برای هر بریکادی يك مرکز اجتماعی معین میکنند و کتابچه های تشکیلات چاپ میشود و تمام اهالی مالکین خواهند دانست چون بایستی این سرباز در مرکز رژیم خودش جمع شود و از خانه خودش با مرکز رژیم يك منزل یا دو منزل خواهد بود اینست که در اینجا ذکر شده است منزلی دو قران و چهار قران بدهند که سرباز زیر بیرق برسد و بعد از آنکه زیر بیرق رفت نوکر دولت است و حقوق میگیرد و بجاهائی که مأمور است خواهد رفت و گمان نمیکند در این ماده يك محل تردیدی باشد مثلاً از مالکین سرباز آذربایجان مأمور کلات میشود شصت منزل است منزلی دو قران مطالبه نخواهد کرد فقط این مبلغ راجع بآن دو سه منزلی که از محل سرباز تا محل اجتماع فوج است خواهد بود

حاج شیخ حبیب الله - در اینجا در اصل ماده میفرماید خرج سفر تا باین در موقع حاضر شدن سر خدمت به بعضی دو قران و به بعضی چهار قران داده میشود ولی در آخر ماده میفرماید افواجی که خانواری ندارند کما فی السابق در موقع حرکت کمک معمولی را از صاحبان بنیچه دریافت مینمایند این کمک خرج دخلی بخانواری ندارد سرباز چه در موقع مسافرت و حرکت باشد و چه از خانه باشد خانواری خودش را میگیرد و این وجهی را که حالا دریافت مینماید غیر از عنوان خانواری است خوبست چنانچه در مورد اصل دو قران چهار قران معین شده است در مورد آخر هم معین شود که چقدر باید داده شود و الا اسباب زحمت رعا یا خواهد شد و يك مبلغ معتمد بهی یا غیر معتمد بهی از بعضی گرفته و از بعضی گرفته نخواهد شد پس هم چنانکه در مورد اصل دو قران و چهار قران معین شده است خوبست در آخر هم معین شود

مخبر - بنده مجبورم دوباره شروع کنم بآن توضیحاتی که در شور اول داده شده عرض کردم خانواری یا مستمری آن نقد یا جنس را میگویند که همه ساله مالک سرباز خودش را اعم از اینکه مسافر باشد یا مسوطن خانه میبرد و از وی در بعض افواج این عادت نیست یعنی اگر چندین سال هم در محل و خانه خودش نماند از طرف مالکین چیزی بآنها داده نمیشود فقط در موقع حرکت مالکین يك مبلغی بمنوان معاونت و کمک خرج بآنها

میدهند و آنها را سر خدمت میفرستند این جا پیش بینی شده است که اگر خرج سفر همانطوریکه نوشته شده دو قران برای پیاده و چهار قران برای سوار در موقع حاضر شدن زیر بیرق داده شود شاید مالکین مستمری سالیانه را ندهند و از این ماده استفاده کرده و بگویند تا زیر بیرق سه منزل است و باید به سربازی سه دو قران شش قران داده شود در صورتیکه این سرباز دوسال با سه سال در خانه بوده است چیزی نگرفته است و در مقابل آن سربازی که خانواری داشته مبلغی گرفته است این از برای پیش بینی این مسئله میشود که مالکین استفاده نکنند و يك ضرر فاحش به سرباز هائی که مستمری ندارند وارد بیاید بنابراین کمیسیون علاوه کرد که آن معاونت و کمک خرج هائیکه سابقاً معمول بود و سرباز هائیکه مستمری نداشته داده میشد کم آن داده شود و گمان نمیکند در اینجا هیچ جای ایرادی باشد.

رئیس - رای میگیریم بماده یازدهم آقابانی که ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده شانزدهم قرائت میشود (باینجه قرائت شد)

ماده ۱۶ - نظامنامه های راجعه باین قانون وزیر جنگ تهیه کرده و بوجه فرمان اهلی حضرت همایونی بموقع اجرا میگذازد.

رئیس - در این ماده مخالفی نیست

رای می گیریم آقابانیکه ماده ۱۶ را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۷ بعضون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۷ - وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است.

رئیس - در این ماده هم ایرادی نیست آقابانی که ماده ۱۷ را تصویب مینمایند قیام فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده دوم موافق رایورت جدید کمیسیون ۱۱۷ قرائت میشود.

(بعضون ذیل قرائت شد)

ماده دوم - افواج پیاده و دستجات سواره و توپ خانه حتی الامکان از بلوکت و ایلاتیکه تا کنون مطابق بنیچه قشون میدادند گرفته شود

نظام السلطان - بنده این (حتی الامکان) را زیاد می دانم برای اینکه باید قانون تصریح داشته باشد چون باید این سرباز را گرفت نباید گرفت اگر باید گرفت دیگر حتی الامکان زیادی است

مخبر - چون در جلسه قبل که این مسئله در کمیسیون مذاکره شد آقای نظام السلطان حضور نداشتند حالا این ایراد را میفرمایند کما حتی الامکان برای آن محل هائی است که فلان قدر سرباز باید بدهد و از همد بر نیامد و باید يك ترتیب اتخاذ شود که عده سرباز بر زمین نخورد و اگر بدون حتی الامکان این ماده نوشته شود هر دهی اگر چه خراب هم نباشد بادی سرباز خودش محکوم می شود و این مخالف با آن ماده است که بکمیسیون برگشت

آقای سید فاضل - بنده خیلی تأسف دارم از اینکه اوقات مجلس که واقعاً باید صرف امور مهمه مملکتی بشود برای معاشات عمومی از قبیل نان

و برای اینکه مخالف با آن ماده نشود مجبوریم (حتی الامکان) در این جا بکنجانبیم کار اگر از آن ده خراب سرباز نگیریم از محل دیگر گرفته شود

نظام السلطان - در کمیسیون هم بنده تا این (حتی الامکان) مخالف بودم بازم مخالف و عقیده ام این است که در صورتیکه آن ماده هم که بکمیسیون برگشته تصویب شود باز این حتی الامکان لازم است **مخبر** - گمان میکنم کما حتی الامکان لازم باشد بجهت اینکه بقدرت تعیین خواهد کرد و برای اینکه در موقع وزارت جنگ با نظر وزارت مالیه میتواند از محلهای دیگر سربازهای دهات خراب را عوض بگیرد کما حتی الامکان لازم است.

رئیس - رای میگیریم بماده دوم ترتیبی که از کمیسیون پیشنهاد شده است آقابانیکه ماده دوم را باین ترتیب قبول میکنند قیام نمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد فقط یک ماده از این قانون مانده است و این ماده هم است که باید از کمیسیون برگردد و رای بگیریم يك ماده الحاقیه هم خود آقای مخبر پیشنهاد کردند ولی گمان میکنم این ماده که بکمیسیون می رود آماده الحاقیه خودتان را هم پیشنهاد کند.

مخبر - بلی همینطور است که میفرمایند.

رئیس - چون امشب چراغ نداریم مجلس را زودتر باید ختم کنیم.

معدل الدوله - البته نظر آقایان هست که در جلسه گذشته راجع بکار نظمی و کنترات رئیس نظمی مذاکراتی شد و دو نفر آقایان نواب رئیس مأمور شدند که بروند در هیئت رئیسه وزراء آقای رئیس الوزراء مذاکره کنند و ترتیب اینکار را بدهند بنده میخواستم عرض کنم که در صورتیکه رفته اند مذاکره کرده اند بفرمایند چه اقداماتی کرده اند و چه نتیجه گرفته اند.

علی المالك - بر حسب قراردادی که آتشب در مجلس شد آقای رئیس الوزراء ملاقات کردیم و ایشان فرمودند خیلی میل دارم نتیجه را بجای جواب بگویم در روز سلام اظهار فرمودند با من و استدلال مذاکره کرده ام و هر چه کردم نتوانستم ایشانرا قانع کنم که از کنترات خودش صرف نظر کند حتی فرمودند در این باب هر اندازه ممکن بود اصرار کردم که شاید کنتراتش را تبدیل بآول بهار کند نشد در جواب گفت نمیتوانم کنترات را تغییر بدهم لوازم مسافرت خود را تهیه دهم و باید بروم ولی کنترات اتجدید خواهد شد.

رئیس - آقای طباطبائی هم راجع به این مطلب فرمایشی دارند.

طباطبائی - بلی يك نکته ای است که میخواهم عرض کنم مطلب همانطور است که آقای علی المالك بیان کردند ولی اطلاعی که امروز بنده تحصیل کرده ام این است من و استدلال قبول کرده است تا بعد از دهه عاشورا توقف کند که هم کنتراتش در این دو هفته تجدید شود و هم این ایام را توقف داشته باشند.

آقای سید فاضل - بنده خیلی تأسف دارم از اینکه اوقات مجلس که واقعاً باید صرف امور مهمه مملکتی بشود برای معاشات عمومی از قبیل نان

باید صرف شود اولاً در مرضی که راجع بنان طهران میخوام بکنم تنقید براحده نیست و مکرر در مجلس مذاکره شده است که نان طهران بسیار بد است و همه مردم از آن شکایت دارند و انبار دولتی هم که همیشه میزان نرخ گندم وجود را نگاه میدارد و باید همیشه چهل و پنج یا پنجاه هزار خروار جنس در آن موجود باشد از قراریکه تحقیق کرده ام بیشتر از پنجاه هزار خروار موجود نیست آنرا هم همه روزه از قرار خرواری ده تومان و نیم خبازها میبرند که میزان نرخ میدان را نگاه دارند و باز از قراریکه تحقیق کرده ام این جنس را که به همین میزان بخیاز ها میدهند آنها میگیرند و میبرند احتکار میکنند و با اینکه حالا هوا و راهها خیلی خوبست و دولت در زنجان و ساوه و عراق جنس دارد باز اوضاع این است که دیده میشود اینست که بنده خاطر نشان نمایندگان و پیشنهاد هیئت رئیسه میکنم که جداً يك ترتیبی که واقعا عملی باشد در باب نان طهران اتخاذ کند و از دولت بخواهند بجهت اینکه اگر اینطور باشد همه روزه بدتر میشود و اگر حالا يك ترتیب و چاره جدی اتخاذ نکنند علاوه بر اینکه مسئله نان گاهی بعضی رنگهای دیگر هم پیدا میکند پس فردا دچار تضییقات دیگر خواهیم شد.

رئیس — آقای حاج معین التجار راجع بنان است.

حاج معین التجار — خیر.

رئیس — پس چون عده کافی نیست تنفس داده میشود و بعد از تنفس مذاکره میشود.

گفته شد چون در دستور چیزی نیست جلسه را ختم فرمائید

رئیس — بسیار خوب چند فقره تقاضای مرخصی شده است بمماند برای جلسه آتی به جلسه آتی روز سه شنبه و دستور آن بقیه شوردر قانون سرباز گیری خواهد بود.

مجلس مقارن مغرب ختم شد

جلسه ۷۸

صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و هشتم شهر ذیحجه ۱۳۲۷
مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای موثمن الملك تشکیل و صورت مجلس روز شنبه بیستم قرائت شد
غائبین با اجازه — آقایان .. عدل الملك - سلیمان میرزا - ادیب السلطنه - میرزا محمد علیخان نماینده همدان - ارباب کیخسرو

غائبین بدون اجازه — آقایان .. ناصر الاسلام - صدر المالک - صدر الملك - حاج شیخ محمد حسن یزدی - حاج سید اسدالله قزوینی - دکتر لقمان محمد هاشم میرزا - مریم شریعتمدار

رئیس — در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست؟ (اظهاری نشد) چون ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد در جلسه قبل آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی راجع به نطقی که روز سه شنبه کرده اند بیاناتی فرمودند چون بعضی از کلمات نطق ایشان را بعضی آقایان درست نشنیده بودند و اشتباهی حاصل شده بود این است که برای رفع شبهه مضمون نطق ایشان را بنده در اینجا تکرار میکنم مضمون نطق ایشان این بود که در ماده پنجم

قانون قشون گیری راجع بیکمی از شرایط سربازی دلائلی اقامه کرده و بواسطه سوء انتخاب مثل بیان مطلب مستحسن نشد از این بابت ایشان اظهار تافف کردند بنده لازم دیدم مضمون نطق ایشان را تکرار کنم تا اگر بعضی کلمات آن شنیده نشده بود اشتباهی حاصل شده است رفع شبهه بشود دستور امروز بقیه شور در قانون قشون گیری است در ماده نهم که بکمسیون ارجاع شده بود و يك ماده الحاقیه که خود آقای مخبر پیشنهاد کرده بودند و کمسیون تصویب نموده است باید مذاکرات بشود (ماده نهم بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده نهم تعیین افراد قشون هر محلی مطابق بنیچه بعمل خواهد آمد باین ترتیب که مأمورین سرباز گیری و اشخاص پادار محل را که دارای شرایط سربازی هستند حاضر نمایند و هرگاه عده ایشان مساوی عده لازمه است تمام آن افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود و اگر عده ایشان بیشتر باشد عده لازمه باقرعه معین خواهد شد.

آقای سید فاضل — این ماده نهم که پیشنهاد شده باز از دو جهت نقص دارد یکی مسئله پاداری که بهمان حال سابق باقی مانده و ضابطی از برای پاداری معلوم نشده است و دیگری اینکه (دارای شرایط) که در اینجا نوشته شده باید تصریح شود که مطابق شرایط ساده پنجم خواهد بود والا بعضی شرایط هست که در نظامنامه وزارت جنگ نوشته میشود و مأمورین سرباز گیری بخواهند موافق آن شرایط اخذ سرباز کنند و باین واسطه قهراً مردم دچار تضییق خواهند شد و تبصره هم در باب پاداری پیشنهاد کرده ام تقدیم میکنم.

حاج شیخ محمد حسن — عرض میکنم راجع بتجدید پاداری نظر باینکه مصادیق مختلفی متکثره دارد ممکن است هر محلی نسبت بمحل دیگری در موردی پادار شمرده شود و در مورد دیگر جزو پادار محسوب نشود مثلاً بعضی از دهات هم بقدر که يك کسی رزاعتش در زمین باشد بدون اینکه آب یا ملکی داشته باشد او را پاداری میگویند و بعضی جاهای دیگر هست که اگر يك اندازه هم ملک داشته باشد پادار محسوب نمیشود پس این پادار مفهومی است از مفاهیم عرفیه که اهالی هر محلی نسبت بخود آن محل پادار و غیر پادار را از هم تشخیص میدهند و لازم نیست ما آن را تجدید کنیم که اسباب اشکال بیشتر فراهم شود این يك مسئله امام مسئله دیگر که اختیار بمأمورین وزارت جنگ داده شده است بمقیده بنده نظر بماده اول این قانون که بتصویب مجلس رسید لازم است این اختیار داده شود بنده مضمون ماده اول را عرض میکنم و بعد از آن تطبیق میکنم که به بینم آیا مأمورین وزارت جنگ باید متصدی این امر باشد یا مالکین و اهل محل ماده اول مینویسد که اساس قشون گیری دولت ایران بطرز بنیچه (خدمت اجباری خصوصی است) و معلوم است مراد از این ماده این است که دخول در دایره خدمت نظامی اجباری است یعنی نقطه مقابل قشون داوطلبی است که با اختیار خودشان داخل در خدمت میشوند پس وقتیکه دخول در دائره خدمت اجباری شد آیا در این صورت ممکن است بگوئیم اهالی مختار باشند اگر این فقره با ماده اول منافات ندارد چه عیب دارد بگوئید اختیار با مالکین بنیچه و اهالی باشد ولی اگر ما اختیار را بمالکین ندهیم ممکن است ابتدائاتی کنند و بیک شخص بگوئید فلان مبلغ

بستو میدهم که در موقع گرفتن سرباز حاضر شوی و توراً معرفی کنیم پس وقتی او را راضی و حاضر کنیم دیگر ماده اول مصداق پیدا نمیکند و اگر بخواهیم اختیار بمالکین و اهالی بدهیم معنی اش این است که ماده اول را تصویب کرده ایم نسخ میکنیم پس اگر بخواهیم قانونی را که تصویب نموده ایم نسخ نکرده باشیم لازمه اش این است که مأمورین وزارت جنگ متصدی امر انتخاب سرباز باشند و در مورد دیگر انتخاب میکنند اگر عده آن بقدر کفاف بود آن عده مکلفند داخل در خدمت نظام شوند و اگر عده زیادت باشد بقرعه معین میکنند.

مدرس — گمان میکنم بعد از آن مذاکراتی که شد کمسیون اصلاح خیلی خوبی پیشنهاد کرد و الا اینکه آن دو جهت را که آقا اظهار داشتند لازم است مراعات شود یکی این که شرایط سرباز گیری را باید معین کنند موافق شرایط ماده پنجم باشد تا ماده مجمل نباشد و یکی هم مسئله پادار باید معین شود و اینکه میگویند مصادیق مختلفی دارد بنده عرض میکنم چون مصادیق مختلفی دارد باید معین شود که اسباب زحمت مردم نشود اگر این دو جهت اشکال رفع شود گمان من این است این اصلاحی که شده است خیلی موافق با عدل است و زحمتش برای مردم خیلی کمتر است خوب است آقای مخبر قبول بفرمایند و این دو فقره اصلاح بشود.

مخبر — با آن نظریات مختلفی که بین آقایان نمایندگان بود در دفعه دوم که این ماده بکمسیون برگشت باین ترتیب اصلاح شد و بنده گمان می کنم همینطوریکه میفرمایند این اصلاح بهترین صورتی است که نوشته اند و هر شکلی که نوشته میشود شاید اسباب گفتگو میشد اما در باب آن ایردی که آقای مدرس فرمودند که باید موافق شرایط ماده پنج باشد بنده گمان میکنم کمسیون هم مخالفی نداشته باشد و همینطور نوشته شود چون موضوع کمسیون هم از شرایط سربازی همان شرایط ماده پنجم است و بنده این اصلاح را قبول میکنم اما در باب پاداری بنده و سایر رفقا هر چه زحمت کشیدیم نتوانستیم يك تعریفی و صورتی از برای آن پیدا کنیم بواسطه اینکه پاداری کلیتاً در هر ولایت و در هر محل و هر ده بلکه در هر خانواده مفادش تغیر میکند مثلاً در بعضی ایلات فقط بداشتن دوشتر که شاید در محل خودش پانصد تومان بیشتر قیمت نداشته باشد آدم را پادار میدانند و در محل دیگر شاید بداشتن پانصد تومان هم پادار نمی دانند چرا که خرجش زیادت از دخل اوست و در بعضی جاها هست که سرباز هیچ ندارد ولی يك جزئی زراعتی در زمین دارد و در موقع برداشتن خرمن يك محصولی خواهد داشت او را پادار فرض میکنند به این جهت هر چه ملاحظه و دقت در این موضوع شد نتوانستیم از برای پاداری يك تبصره و يك صورتی پیدا کنیم که کامل باشد و مجبور شدیم بنظر مأمورین سرباز گیری واگذار کنیم که در هر محلی مطابق عرف آن محل یا داری و بی یائی سرباز را معلوم کنند

حاج شیخ حبیب الله — در آن پیشنهادی که سابقاً بنده کرده بودم مضمونش این بود که ماده